

هو الأبهی - ای بنده صادق جمال ابهی حقاً که وفاپروری...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۱۷۰

هو الأبهی

ای بنده صادق جمال ابهی حقاً که وفاپروری و جانفشانی و در جانفشانی پر روح و ریحان از جناب محمود و سمیّ حضرت مقصود مرقوم نموده بودید که حجت بر هر دو تمام شد این نفوس را غرضی نبود ولی خرطوم میرزا حسین بسیار طویل بود آنچه توانست افترا بر عبدالبهاء زد و به قدر مقدور به کمال نخوت و غرور القاء شباهت نمود ولی عجب در این است که حضرات آن شخص بی تمیز را از پیش شناسند و به اطوار و احوال او مطلع و واقفند عبدالبهاء طعن کسی را نخواهد و زبان را به ذنب نفسی نیالاید ولی ایشان مطلعند باوجود این اذعان به قول شخصی چنین بسیار عجیب است.**.**

مرکز نقض در اول پپاله پردرد بود در یوم صعود علم خلاف آن عنود برافراخت و حرکت نامعقولی نماند مگر آن که مجری کرد بعد از صعود فوراً اختر خبر خلاف او را به خاور و باختر رساند و حال آن که عبدالبهاء شب و روز با چشمی اشکار همدم و دمساز و شما حاضر بودید بعد از مدتی بهانه‌ای پیش گرفت که این عبد استغفرالله ادعای امری اعظم از جمال مبارک نموده سبحان الله این چه افترا است و چه هذیان جمال قدم و اسم اعظم این عبد را از پستان عبودیت شیر داد و در آغوش عبودیت پرورش فرمود از بدو حیات الی یومنا هذا کله‌ای که دلالت بر وجود داشت نه از لسان و نه از بنان من صدور یافت و به این عبودیت رخی روشن دارم



ORIGINAL



AUDIO

و قلبی مانند گلزار و چمن ولکن مرکز نقض هنوز علقه و مضغه بود و می نوشت قد ظهر شمس الله الا کبر و کل شمس عنده من کل صغیر اصغر و لاتقولوا درست لائی کتبت هذا و کنت صغیرا**.**

ملاحظه نمائید که باوجود این عبارت که از تصنیف اطفال کوچه و بازار پست تراست چه ادعائی نموده و چون چنین جسارتی کرد لوح بدیع صادر اگر آئی از ظلّ امر منحرف شود معدوم صرف بوده و خواهد بود باوجود این نصّ صریح چه جسارتی نمود و چه حسادتی کرد و به چه تهمت برخواست و یری نفسه الآن قد وقع فی خسران مبین و النار و لا العار این است. اما آن ستمکاران با صد هزار لشکر در این صحرا جولان میدادند و النار و لا العار می گفتند اما این بیچاره به ذلت کبری افتاده و خسران مبین در جبینش مجسم گشته باوجود این گردن راست گیرد و سینه بگشاید و مانند پهلوان نحشی قزوینی گشاد گشاد راه رود گاهی در کوچه و بازار و گهی درب دکانهای اغیار بنشیند و سر بجنباند و النار و لا العار گوید و یا حسرتا علیه من هذا الذلّ العظیم از اتباع عهد و میثاق ننگ و عار دارد ولی از برای هر بیچار نهایت خضوع و خشوع نماید خوب است احباً بیایند تماشا نمایند...

